

کرده است فرمود که گشتی را نگاهدارید نگاه داشته اند دیگر فرمود که علاج  
 ایشان را نیز نگویند که گشتی ایشان را نیز نگاه دارد نگاه داشته اند بنگار  
 گشتی آمد و در زیر لب چیزی بخواند پس فرمود که علاج ایشان را بگویند  
 تا فوطه بندد و باب در آید و آن دستوانه بگیرد چون نظر کرد آن  
 دستوانه بر روی زمین نمود و اندک آبی بر بالای آن علاج باب  
 در آید و آنرا بر گرفت **و از جمله گفت** که دیگری گفته است که یکی  
 از اصحاب صد دینار با من همراه کرد که بپوش کلاه رضی الله عنه بر  
 و مرا نیز چیزی بود چون بدین رسیدم آب بر خود ریختم و بپوش  
 خود را بشستم و از آن آن شخص را نیز خوشگوار شده بر آنجا نیز بشستم  
 چون بپوش آن مرد را بشستم نمود و نه دینار بود دیگر با من نمودم  
 همان بود دیگر یار دیگر از خود بشستم و بان هم کردم و در صرّه کردم  
 بچنانکه بود و در شب بروی در آمد کم گفته خان من فدای تو باد  
 اندک بپوشی دارم که بان تقرب میجویم بخدا ای تعالی گفت بسیار  
 داناتر خود را بشستم می بردم پس گفته مولای تو فلاح کنس چیزی با  
 همراه کرده است گفت بسیار صرّه را بشستم می بردم فرمود که بر من

ریز بر خیمت بدست خود آتر ابر کنده ساخت و در کنار هر احدی  
 کرد و فرمود که دی وزن را اعتنا کرده نه عدد و در **از جمله گفت**  
 که دیگری گفته است که علی بن اخطین کسی دیگر گفته است که بگوید  
 رو و فلانی را با خود همراه کن و در اوله بخیزد و این مال را این  
 مکتوبات را بموسی بن جعفر رضی الله عنه برسانند من بگویند  
 رستم و آن کس دور اوله بخیزد چون بدین نزد یک رسید و حاجی  
 فرود آمد کم و چیزی بخوردیم تا گاه دیدیم که موسی بن جعفر بر قله سوار  
 ظاهر شد بر خاستیم و بروی سلام کردیم فرمود که بسیار با شما  
 رهبر داشته ام پیش می بریدم پس مکتوبات را بلوی و ادم مکتوبی  
 چند از استین خود پسران کرده فرمود که این جوابهای مکتوبات  
 شماست باز کردید و حفظ خدا ای تعالی گفته ز ادا تمام شده است  
 و بدین نزد یک است اگر اجازت باشند زارت رسول صلی الله علیه  
 و سلم بکنیم و نوشته نیز برداریم فرمود که با شما صبح زاد با منی مانده است  
 گفته ام از کجا فرمود که پیش از این بدین آوردم از ابرت مبارک  
 خود گرفت و فرمود که این زادنهارا مکتوبه پسند است مبارک زاده

ای کوی طبع ترا